

یک شنبه | ۲۷ مهر ۱۳۹۶ |  
اول ربیع الاول ۱۴۴۲

شماره ۱۴۵۳۱

# خرشان رضوی

## گزارش

گزارش میدانی خراسان از ۲ ورودی شهر مشهد در ایام پایانی صفر

# محدودیت‌های منع آمد و شد، فقط روی کاغذ

### گزارش

زنده روحیان- بهبودی نیا

ساعت ۱۰ صبح روز پنج شنبه گذشته ، چند ساعت از دستور رئیس جمهور برای منع سفر در جاده‌های پنج کلان شهر از جمله مشهد مقدس می‌گذشت و قرار بود از ساعت ۲۴ اقدامات محدود کننده سفر در ورودی و خروجی های شهر مشهد بر اساس دستورالعمل اجرایی وزارت کشور اجرا شود اما در عوارضی آزادراه شهید شوشتری ، حجم خروجی خودروها از مشهد گزارش شد. صف خروج از عوارضی به بیش از ۱۰ ردفیر رسید و خودروهای سنگین، اتوبوس و سواری پشت به پشت هم در حال خروج از مشهد بودند. اگرچه ورودی مشهد کم ترافیک بودو خبری از شلوغی های همیشگی در این ایام نبودولی هیچ کس از ورود خودروهای سواری و گاه اتوبوس های لبریز از مسافر جلوگیری نمی کرد. از چندر اننده علت حضورشان در جاده را پرسیدیم . یکی از آن ها گفت : برای زیارت آمده بودیم و حالا قبل از شلوغی مشهد به شهرمان برمی گردیم، همه حواس مان به کرونا بود و بهداشت را رعایت کر دیم . ( بقیه سرنشینان خودرو باصدای بلندمی خندیدند)راننده دیگری در صف عوارضی گفت: همسرم مریض بودو اورا آور دیم تا در بیمارستان مشهد در مان شود، حالا هم به شهرمان برمی گردیم، بایدیکی دوروز دیگر می ماندیم، اما ترسیدم مسیرهارا ببیندندو جایی نداشته باشیم بمانیم به همین دلیل به اجبار ز دیم به جاده . چند جوان داخل یک خودرو گفتند: چه محدودیتی؟ ما که نشنیدیم، یک چیزی اعلام

شده، الان شما محدودیتی می بینید که مانرویم؟ هر جا بگویند بر گردید ما حتما نمی رویم، اما وقتی کسی نیست یعنی محدودیتی وجود ندارد.

● **محدودیت سیستمی انجام می شود**

سر هنگ هادی امیدوار ، فرمانده پلیس راه استان در این باره گفت : طرح محدودیت عبور و مرور به مشهد مقدس روز چهارشنبه ابلاغ شده و همکاران ما از ساعت ۲۴ در ورودی ها مستقر شدندو با حضور کامل دیگر دستگاه ها از ساعت ۷ صبح پنج شنبه به اجرا در آمد که بیشتر به صورت ارشادی بود. او در پاسخ به این سوال که چرا دیگر خبری از خودروو نیروهای امدادی و نیروی انتظامی و جلوگیری و مسدودسازی مسیر ها نبود گفت : تا کننیک ها عوض می شود ، موقعیت آن زمان هم که تعطیلی رسمی و طولانی مدت ایام نوروز بود، با این مقطع متفاوت است ضمن این که با اقداماتی که از چندین روز قبل صورت گرفته حجم سفر از مبدا به شدت کاهش یافته به طوری که حجم تردد نسبت به روز قبل کاهش قابل توجهی داشته ونسبت به روز مشابه سال قبل این کاهش چشمگیر است. وی افزود: در سال های گذشته این موقع صف یک کیلومتری برای ورود به مشهد در عوارضی شکل می گرفت اما امروز ترافیک کاملا روان است و تعداد محدودی که از عوارضی شهید شوشتری تردد می کنند در حومه مشهد رفت و آمد دارند.

● **افتاع سازی پشت عوارضی**

امیدوار همچنین در تشریح اقدامات پلیس راه استان اظهار کرد: همکاران ما در پنج مقطع به صورت فیزیکی حضور داشتند و به رانندگان



عکس دهقان

بر خلاف سال های گذشته در مسیرهای ورودی شمالی شهر مشهد نه خبری از هیئت های چند صد نفری بود و نه ایستگاه های صلواتی که با فاصله های نزدیک به پذیرایی از زائران پیاده بهراند. طی حضور چهار ساعته ما در این محور کمتر خودرویی با پلاکی به جز پلاک مشهد مشاهده شدوهر از گاهی گروه هایی متشکل از چند زائر پیاده از این مسیر عبور می کردند . با این حال وقتی از یکی از افسران راهنمایی و رانندگی که برای هدایت زائران به حریم امن جاده در محل حضور یافته بود، پرسیدم دقیقا از چه محلی جاده را برای ورود خودروهای غیربومی وهمچنین ورود

به زودی کد مربوط اعلام می شودو از آن زمان با توجه به اطلاعات موجود در سیستم اعمال قانون را انجام می دهیم البته بیشتر مردم با ما همکاری داشته اند و به کسانی که به دستورالعمل هابی اعتنایی داشتند تذکر داده شده وسپس از طریق اعمال قانون ملزم به رعایت خواهند شد.

● **محور شمالی خلوت تر از همیشه**

روز جمعه، ساعت ۱۴ یک بار دیگر خودمان را به آن سوی مشهد در مسیر خروجی و ورودی محور شمالی رساندیم تا این محور را نیز از نظر محدودیت های ترافیکی بررسی کنیم، امسال

گزارشی از مرکز حمایتی کودکانی که تامین مخارج یک زندگی بر شانه‌های کوچک شان استوار است

# نان آوران کوچک

عمده آن‌ها همان اضطراب و افسردگی است که به حالت پر خاشگری، خلق پایین، سر درگمی کودک و ناتوانی او در تصمیم گیری خود را نشان می دهد. اجبار به کار باعث می شود کودک به این فکر کند که من با دیگران فرق دارم و خودش را در سطحی پایین تر از دیگران تصور کند که این مسئله در تحصیل و روابط بین فردی کودک اثر گذار است. در این جا کودکان زیادی داریم که به علت همین آسیب‌ها سیگار و مواد مصرف می کنند. ما برای این کودکان هر هفته دوره های مهارت های زندگی و خودشناسی گذاشته ایم که از حقوق خود آگاه شوند. «وی در باره چگونگی برخورد مردم با کودکان کار می گوید: «نگاه از بالا به پایینی که توسط برخی افراد جامعه به این کودکان می شود، آن‌ها را آزار می دهد. توصیه من به مردم این است که ضمن برخورد متمدنانه با این کودکان، اگر قصد خرید از آن‌ها را دارند، طوری رفتار کنند که حس فروشنده‌گی به کودک دست بدهد و مانند یک نیازمند با او رفتار نکنند چون عملا این ظلم به کودک است و موجب می‌شود کودک این نوع رفتار نیازمندانه را یاد بگیرد.»

● **حداقل ۳ ماه ۳۰ کودک کار توسط این مرکز شناسایی می‌شوند**

سمانه امیران، مسئول فنی مرکز روزانه آموزشی – حمایتی کودک و خانواده‌های همراز کودکان، درباره فعالیت‌های این مرکز نیز می‌گوید: «این مرکز از سال ۹۴ تأسیس شده و در این جابه کودکان کار خدماتی ارائه می‌شود که نوع خدمات برای هر کودک با توجه به شرایط او متفاوت است. خدمات بازتوانی کودک شامل برنامه در مان، برنامه هزینه‌های تحصیلی، اشتغال و مهارت آموزی می‌شود. اکنون به جز کودکان ترخیص شده، بیش از ۲۰۰ کودک با مرکز ما در ارتباط هستند. ابتدا حمایت‌های تخصصی مددکاری، روان‌شناسی، مهارتی و آموزشی شروع و در گام‌های بعدی برای مهارت‌آموزی، اشتغال و حرفه‌آموزی آن‌ها اقدام می‌شود. این جابعد از تشکیل پرونده و مصاحبه های مددکاری و روان‌شناسی، تیم تخصصی برای هر کودک جلسه‌دارند و برنامه‌های بازتوانی را تدوین می‌کنند. برنامه‌ها توانی هر کودک بنا به نوع حمایت تحصیلی، درمانی، حرفه‌آموزی و اشتغال متفاوت است.» گلسنتانی درباره تأمین هزینه‌های این مجموعه می‌گوید: «۷۰ درصد بودجه‌های این مرکز از سوی بهزیستی و ۳۰ درصد از سوی مشارکت‌های مردمی تأمین می‌شود. هزینه تمام‌شده برای هر کودک با توجه به شرایط او متفاوت خواهد بود. این هزینه‌ها به‌طور تقریبی حداقل برای هر کودک حدود ۴۰۰ هزار تومان است و برای کودکانی که نیازمند خدمات درمانی است، حتی بیشتر از یک میلیون تومان هزینه می‌شود.» وی درباره برنامه‌های آینده این مرکز می‌افزاید: «از برنامه‌های پیش‌روی موسسه این است که امسال بیشتر تأکیدمان را روی حوزه بهداشت و درمان این کودکان بگذاریم. در این باره رایزنی‌هایی کردیم و قرار است با علوم پزشکی جلسه‌ای داشته باشیم.»

دست‌هایش سرد است. وقتی سوزن در نوک انگشتانش فرو می‌رود، خون بیرون نمی‌آید. خا نمی‌که نمونه‌خون می‌گیرد، از او می‌خواهد کف دست‌هایش را به هم بمالد تا خون به جریان بیفتد و بتواند قطره‌ای خون از نوک انگشتانش برای نمونه‌آزمایش بگیرد. ایرج در حالی که دست‌های زخمی و آفتاب‌سوخته‌اش را روی میز می‌گذارد، نگاه‌سردش را به جایی دیگر می‌دوزد. مسئول مربوط در باره علت نمونه‌گیری خون می‌گوید: «بیشتر کودکان کار به جمع‌آوری زباله‌ها مشغول‌اند، ممکن است هنگام جمع‌آوری زباله، سرنگ‌های تزریق معتادان در دست‌های‌شان فرو رفته باشد، برای همین از آن‌ها تست‌آچ‌آی‌وی می‌گیریم.» ایرج بعد از نمونه‌گیری خون با چهره‌ای غمگین و نگاهی‌پر از خستگی دوباره روی یکی از همان صندلی‌های داخل سالن می‌نشیند. در ساعات حضورم در موسسه همراز کودکان به جز ایرج، حدود ۱۰ کودک و نوجوان که همگی آن‌ها کودک کار هستند، در سالن نشسته‌اند. موسسه همراز کودکان در سال ۹۵ زیر نظر بهزیستی با هدف منع کار کودکان تأسیس شد تا بتوانند در حد امکان از کار کردن کودکان جلوگیری کنند. بنا به اظهارات مسئول فنی این موسسه، علاوه بر ارائه خدمات به کودکان کار به‌عنوان محور اصلی فعالیت این مجموعه، به کودکان با مانده‌از تحصیل و کودکان خیابانی نیز خدماتی در زمینه توانمند سازی و بازتوانی این کودکان ارائه می‌شود. در ادامه دل‌گفته‌های چند کودک کار را می‌خوانید:

● **ساعات طولانی کار؛ مزدا نندک**

مسئولیت سخت‌تأمین معاش خانواده روی شانه‌های کوچک‌شان چنان سنگینی می‌کند که در قاپ‌چهره‌شان خبری از خنده‌های کودکانه نیست. هر کدام‌شان مثل مردان بزرگی به‌نظر می‌رسند که خستگی‌رایه‌هزار ساله، چهره‌شان را در هم کشیده. یاسر، افشین و آرمین سه برادر هستند که هر روز از ساعت ۶ صبح تا ۱۷ برای جمع‌آوری ضایعات از خانه بیرون می‌آیند تا خرج زندگی مادر و برادر کوچک‌شان را تأمین کنند. پدرشان حدود ۱۰ سال است که آن‌ها را رها کرده و هیچ خبری از او ندارند. مادر ۴۵ ساله‌شان چهره‌اش چنان در هم شکسته است که سنش بیشتر نشان می‌دهد. قبلا برای برداشت محصول در زمین‌های کشاورزی کار می‌کرده، اما دیسک کمر گرفته و چشمانش آن قدر کم‌سو شده که به سختی یک سوزن را نخ می‌کند تا لباس‌های پاره‌بچه‌هایش را بدوزد. افشین ۱۰ ساله و آرمین ۱۳ ساله، دو برادرند اما یک کاپشن دارند که قراره است یک‌روز در میان تن‌پوش یکی از آن‌ها در این شب‌های سرد



ابتدای صحبت‌م با امیر حسین متوجه می‌شوم که بغض‌هایش را به سختی فرو می‌دهد تا بتواند حرف بزند، اما سرانجام اشک‌هایش سر از زیر می‌شودمی‌گوید: «من هر چقدر برای شما حرف بزنم، حتی‌ره ای از تجربه‌های سخت‌ر انمی‌توانید درک کنید. نمی‌دانید چقدر سخت است، دیدن بچه‌هایی که در خیابان کنار پدر و مادرشان در حال خرید هستند و مادر همین خیابان‌هایی که محل خوشحالی آن‌هاست، باید در به در دنبال یک لقمه نان باشیم تا مادر و خواهرمان گر سته نمانند. قبلا نزدیک حرم امام رضا (ع) بادکنک می‌فروختم و همکلاسی‌هایم با دیدن من و برادرم، ما را مسخره می‌کردند، نمی‌دانید چه حالی به آدم دست می‌دهد.» نفس‌هایش به سختی در می‌آید، اشک‌امانش نمی‌دهد و می‌خواهد دیگر به‌گفت و گو ادامه‌ندیم. اما آن قدر دلش‌پر در داست که دوباره با بغض، سکوت‌را می‌شکندومی‌گوید: «الان در یک مکانیکی کار می‌کنم. با مشاوره‌هایی که این‌جا انجام‌ادم، تصمیم گرفتم به دنبال کار آینده‌داری بروم که هنگام کار یک مهارت بیاموزم. از صبح تا شب آن‌جا می‌روم هفته‌ای ۵۰ هزار تومان دستم‌زد می‌گیرم. درست است که بادکنک فروشی در آمدش بیشتر بود، اما الان با این دستم‌زد کم سختی را تحمل می‌کنم تا دو روز دیگر شغلی داشته‌باشم که آینده‌داشته‌باشد.» دست‌های پینه‌بسته‌اش به لرزه می‌افتد و می‌گوید: «من فقط از این‌را حاتم که دستم‌پسته است نمی‌توانم برای خانواده‌ام کاری کنم و بیشتر هزینه‌های زندگی ما را برادر کوچک‌ترم ایرج که در یک نجاری کار می‌کند، تأمین می‌کند.» امیر حسین

● **مانند یک نیازمند با کودک کار رفتار نکنید**
ندایبات، روان‌شناس بالینی این مرکز در باره مهم‌ترین مشکلات روانی این کودکان می‌گوید: «با توجه به مشکلات خانوادگی این کودکان که عمده‌ترین آن مشکلات مالی و اعتیاد خانواده‌های آنان است، اختلال اضطرابی و افسردگی در بیشتر این کودکان مشاهده می‌شود. اختلال یادگیری نیز در این کودکان وجود دارد که سطح سواد پایین خانواده این مسئله را تشدید می‌کند، اما اختلال